



## **تعیین حداقل دستمزد نیروی کار**

**برای سال ۹۹**

**(یا تعیین مبلغی برای جبران عقب افتادگی دستمزد در پایان سال)**

۱

## دستمزد کار (کارگر)

چرا گویی هر چه در تمدن فرو رفتن، بیچاره تر؟ بیخانمانتر؟ هر چه کار بیشتر، بیچاره تر؟ هر چه مفتخور و انگلتر، مهمتر؟ چرا در شهرهای بزرگ و پیشرفته مانند تهران برای زندگی، وقت کمتر داریم و مجبوریم تا شب کار کنیم یا دوشغله بشویم؟ تهران همانجایی که کار هست. مگر اینجا پیشرفته تر نیست؟ ماشینهای پیشرفته و تکنولوژی مدرن، مترو، اتوبوس، تاکسی اینترنتی، شعبه های زیاد بانک با دیوارهای شیشه ای، تعداد بالای وام و خودپردازهای فراوان و... مگر اینان نباید که زندگی را راحتتر کنند؟ ماجرا چیست؟

### **سود هر چه بیشتر - سرعت هر چه بیشتر**

باید گفت که این نظم به این فکر می کند: چقدر بیشتر می توانم چیزی تولید کنم؟ چون که این چیزها می تواند سودآور باشند. برای این نظم سرمایه محور و نمایندگانش (یعنی سرمایه دارن) تاثیر این شیوه برخورد با نیروی کار و هر چه اطرافشان هست اولویتی ندارد! چنین است که در این برخورد در حال عذابیم است و کار برایمان مثل طاعون است. چنین است که محیط زیست در وضعیت بحرانی قرار گرفته است. ما برای ماشینها کار می کنیم و نه ماشینها برای ما! پاسخشان به میلیونها نیروی کار در حال فرسایش و تلف شدن ساده است: «به درک... باز کلی آدم بیکار هست!»

«چطور رقبا را کنار بزنم تا کنار زده نشوم». پاسخ این نظم ساده است. حداکثر سود به هر روشی. این نظم، میل ساز کسب حداکثر سود است. نمایندگان این نظم هرکس که باشد چه دزد چه متدین چه بی کراوات چه با کراوات، این میل برایش ساخته می شود. برای توجیه کردن زورگویی اش، لیبرالیسم و آزادی فردی را فریاد میکشد و برای سرکوب اعتراضات به این وضعیت، از ضرورت حفظ امنیت نظام صحبت می کند (اینجا آزادی باید سرکوب شود!). این تناقض هم در پاریس مشهود است هم در تهران.<sup>۱</sup>

اسفند ۹۸ و فروردین ۹۹، در این محیط وحشتناک و اضطراب زا، بحث میزان دستمزد ده ها میلیون نیروی کار وسط می آید؛ «حداقل دستمزد کارگران چقدر باید باشد؟»

### **خب اصلاً چرا باید عقب افتادگی دستمزد جبران شود؟**

الف) چون دستمزد نیروی کار از تورم ایجاد شده توسط بازار آزاد موجود عقب افتاده؛ چون دستمزد از گرانی یک سال مواد خوراکی، گوشت، مرغ، لباس، مسکن، کرایه و بنزین، عقب افتاده است و تا پایان یک سال عقب نگه داشته شده است. بواسطه اینکه اتحادیه نیروی کار اجازه ندارد در تعیین دستمزد نقشی ایفا کند. چون اتحادیه اش را غیرمجاز کرده اند و می دانند. به مدت یک سال

۱ - به سرکوب مداوم اعتراضات اخیر جنبش جلیقه زردها در فرانسه و سرکوبهای اخیر در ایران از جمله در مسئله بنزین نگاه کنید...

سرمایه داری نیروی کار را کالا میخواد ببیند و برای خرید این کالا نهایت آزادی را می خواهد. اما برای توجیه سرکوب آزادی نیروی عظیم کار، از امنیت و نظم مملکت حرف

دستمزد وی هر ماه کفاف گذران مدت کمتری را میدهد! باید سفره اش را کوچکتر بکند! حال بعد یک سال قرار است که دستمزدش تعیین شود.<sup>۲</sup>

ب) این عقب ماندگی دستمزد از حداقلی برای زندگی، باعث می شود میلیون ها کارگر به همراه خانواده هایشان تلف شوند و دچار فرسودگی و انواع آسیب جسمی و روانی شوند و نیز باعث عدم امکان برای رشد خود و فرزندان شان و نیز ایجاد امکان برای انواع انحراف در این طبقه اجتماعی می شود.

حال به این سوال میرسیم که **حداقل دستمزد کارگر چقدر باید باشد؟**

اما راستی مگر جوابش مشخص نیست؟! مگر در قانون کار نگفته که باید به اندازه ای باشد که بتواند یک حداقلی از زندگی را مهیا شود. پس این بحث پیش آوردن و بحث کردن برای چیست؟ اصلاً چرا باید سوالی که جوابش روشن است، در آخر یک سال، باز مثل سوالی پیچیده مطرح شود؟ باید گفت که چون اتحاد کارفرمایان (آنان که نمی خواهند سرمایه دار خطاب شوند) چنین میخواهد:

اولاً- موضوع، سوال شود و سوال بماند.

دوماً- جواب خودشان را که به نفعشان است بدهند.

سوالهای ساده دوباره پیچیده می شوند، بعد جواب دلخواه و سودده و زودبازده تصویب و ابلاغ می شود.<sup>۳</sup>

«با وجود آنکه نمایندگان کارگران در شورای عالی کار تلاش کردند با نزدیک کردن حداقل مزد کارگران به ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان عقب افتادگی حقوق کارگران از سالهای گذشته را جبران کنند و افزایش ۲/۸ میلیون تومانی در پایه حقوق کارگران لحاظ شود اما مخالفت کارفرمایان و عدم همراهی نمایندگان دولت در جلسه شب گذشته باعث شد که میزان افزایش حداقل مزد به رأی گذاشته شود و صورتجلسه دستمزد در نهایت بدون رضایت نمایندگان کارگری به امضا برسد ...

با تصویب افزایش ۲۱/۵ درصدی حداقل دستمزد سال ۱۳۹۹ در آخرین نشست اعضای شورای عالی کار، پایه حقوق کارگران ۳۱۸ هزار تومان بیشتر شد و از ۱ میلیون و ۵۱۷ هزار تومان به ۱ میلیون و ۸۳۵ هزار تومان رسید...

تصویب افزایش ۲۱ درصدی حداقل حقوق کارگران، مجموع دریافتی کارگران حداقل بگیر و مجرد را به دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و دریافتی کارگران متاهل را به دو میلیون و ۸۰۰ هزار تومان نزدیک کرد؛ این در حالی بود که کمیته دستمزد شورای عالی کار در آخرین نشست خود هزینه ماهانه سبد معیشت خانوارهای کارگری را ۴ میلیون و ۹۴۰ هزار تومان تعیین کرده بود.»<sup>۴</sup>

۲ - آنهم با اسم افزایش دستمزد؛ ولی در واقع برای جبران عقب افتادگی دستمزد و زندگی میلیون ها انسان زحمتکش از گرانی و تورم ایجاد کرده در سال پیش.

۳ - ما با خود می گوئیم که مگر می شود اینان این همه نبینند و نشنوند و نفهمند؟! آری. آنان فقط بوقت منعفت می شنوند. فهمیدن اینجا برایشان بصره نیست.

۴ - خبرگزاری ایسنا - ۲۱ فروردین ۱۳۹۹ - حقوق کارگران در سال ۹۹ چقدر شد؟

ردیف	شرح	۱۳۹۸	۱۳۹۹
۱	حداقل دستمزد روزانه	۵۰,۵۶۲	۶۱,۱۸۰
۲	حداقل دستمزد ماهیانه	۱,۵۱۶,۸۸۲	۱,۸۳۵,۴۲۶
۳	حق مسکن ماهیانه	۱۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰
۴	حق بن نقدی (کمک هزینه اقامت مصرفی)	۱۹۰,۰۰۰	۴۰۰,۰۰۰
۵	حق اولاد (یک فرزند)	۱۵۱,۶۸۸	۱۸۳,۵۴۲
۶	حق اولاد (دو فرزند)	۳۰۳,۳۷۶	۳۶۷,۰۸۵
۷	حق سنوات روزانه	۲,۳۳۳	۵,۸۳۳
۸	مجموع دریافتی افراد مجرد (بدون سابقه کار)	۱,۸۰۶,۸۸۱	۲,۴۱۳,۲۷۴
۹	مجموع دریافتی افراد متأهل با یک فرزند (بدون سابقه کار)	۱,۹۵۸,۵۶۹	۲,۵۸۰,۱۵۰
۱۰	مجموع دریافتی افراد متأهل با دو فرزند (بدون سابقه کار)	۲,۰۵۰,۲۵۷	۲,۷۶۳,۶۹۳

### حداقل دستمزد کارگر چقدر باید باشد؟

۱- جواب اتحاد کارفرمایان (یا آنان که نمی خواهند سرمایه داران خطاب شود) بدون پرده اینچنین است:

به اندازه حدوداً نصف چیزی که با آن می توانند زنده بمانند. (نصف حداقل سبد معیشتی). مثلاً اگر با ۴ یا ۵ میلیون با خانواده ۲ یا ۳ نفری اش می توانند زنده بمانند، خیلی خوب. پایه رو حدوداً ۱/۸۰۰ بگیر!

اینطوری بطور خودکار مجبور می شوند رو به اضافه کاری بیاورند. رو به بیش از ۸ ساعت کار در روز. اینجا آنها آزاد می مانند که اضافه کار کنند...

۲- پاسخ نیروی کار متحد برای این مسئله چیست. نیروی کار فعلاً در نداشتن اتحادیه اش حفظ شده است. با سرکوب حفظ شده است. به اسم امنیت این نظم. پس جواب کافی را نمیتواند بدهد.

جواب نیروی کار در پراکندگی اش، در وضع کنونی اش چنین است:

به جز هزار هزار نفرین، به جز هزار هزار لحظه نفرت تف نشده،

نیروی کار لحظه ها با خود فکر می کند که چرا اینقدر دستمزدش پایین است؟ چرا از مدیران که عملا ده ها برابر<sup>۰</sup> و مثلاً روی پایه حقوق در فیشهایشان هفت برابر ما می توانند حقوق بگیرند هیچ حرفی نیست؟ چرا بیش از ۸ ساعت مجبوریم کار کنیم؟ چرا برای برادرم برای همسایه ام و رفیقانم کار نیست؟ و ...

## نیروی عظیم کار خواهان؛

- وجود تشکل‌های مستقل کارگری، وجود اتحادیه برای رسیدن به مطالباتشان.
- حداقل دستمزد باید به اندازه ای باشد که با ۸ ساعت کار در روز و بدون نیاز به اضافه کاری بتوانیم حداقل زندگی را تامین کنیم.
- برای روی زمین نماندن کاری که تا پیش از این، من بصورت اضافه کاری انجام می دادم، از نیروی بیکار استفاده شود، از همسایه ی بیکارم، از میلیونها بیکار کشورم.
- وجود امنیت و تعهد شغلی با لغو قراردادهای پیمانکاری و ...
- هفت و هشت و ده برابری گرفتن مدیران عین قانونی کردن ستم است.

اما چرا این حرفها را همه نمی شنوند و در تیترا اخبار و شبکه ها نیست؟

بگذار حرف آخر را اول بگویم. چون دولت<sup>۶</sup> وجود دارد. بدون دولت در لحظه ای این نظم سرمایه محور نیست می شود. به وجود دولت برای سرکوب هر تشکلی در بین کارگران و جامعه زحمتکش فرودست نیاز دارند. با دولتی متشکل از قانونهای در خدمت‌اش، سانسورچی‌هایش، زندانها و پلیس‌هایش و قضاتش. پلیس نیروی آماده سرکوب است. برای انجام دستورات حقوق می گیرند و هیچکار دیگری نمی کنند هر چند در آنان قشر قابل توجهی از سر فقر و بیکاری مشغول به این کار هستند و نه مثلاً علاقه یا استعداد! و ناراضی هستند. برای پوشاندن و قایم کردن این امر اساسی حاضرند رقمی عجیب را در تبلیغات اسلامی و حکومتی شان برای قایم کردن وضعیت هزینه کنند.<sup>۷</sup>

دولت سرمایه داری اما نقش اش به این خلاصه نمی شود. این دولت در قالب کذایی میانجی بین سرمایه دار و کارگر (جلسات تعیین دستمزد شورای عالی کار) نمایان می شود. و تعیین قیمت نیروی کار را غاصبانه به نیابت و بجای خود کارگران آنهم بطور سالانه انجام می دهد. خب البته برای مشروعیت به خود دو سه تا نماینده اصطلاحاً کارگری هم بجای انتخاب خود کارگران، انتخاب می کند و در نشست اش می چیند. مثل چیزی تزئینی.<sup>۸</sup>

دستگاه عظیم بروکراسی دولت، نهادهای سرکوب و نهادهای تبلیغاتی اش برای حفظ سیستم سرمایه محور، حذف نشدنی است.

۶ - منظور از دولت، مجموعه نهادهای اقتدار حکومت این نظم سرمایه محور موجود است و نه مثلاً دولت آقای فلان یا بهمان.

۷ - این ارقام در بودجه های سالانه به تصویب همه پایه های این حکومت سرمایه می رسد.

۸ - دو سوال در این باره پیش می آید.

اولا- چرا سالانه؟

چون این وضع در مقایسه با جبران دائمی عقب افتادگی دستمزد ناشی از تورم ناشی از نظم سرمایه محور برای سرمایه داران بصره تر و سود ده تر است. «مثلاً جبران ماهانه». تورم در یک شب رخ می رود. بنزین در یک شب بالا می رود. قیمت دارو، ملک و ساختمان و مصالح، پوشاک بطور ماهانه بالا می رود. اما در این نظم دستمزد باید تا پایان سال و تشکیل نشست کذایی انتظار بکشد - این یعنی سود. این یعنی آرمان نهایی در پس تمام لباسها و قیافه ها. عباها یا کراواتها.

دوما - چرا بجای نیروی کار در تعیین قیمتش، دولت کارفرمایی (دولت سرمایه داری) باید تصمیم بگیرد؟

چون اینطوری میلیونها کارکن مجبور به تحمل شرایط تحمیلی از سوی سیاستهای سرمایه محور می شوند. در دل نشست ظاهراً دموکراتیک و متمدنانه یک غضب استقلال از نیروی میلیونی کار وجود آمده است. گرفتن استقلال از نیروی کار برای تعیین قیمت خودش حتی. حرف از تشکل مستقل و سندیکا برای رسیدگی به مشکلات کارگران گویی ناسزا به مقدسی است. ممنوع. زندان. انفرادی.

نیروی عظیم کار، اربابان امروزین و واقعی اش را می بیند؛ کارفرمایان (آنان که نمی خواهند سرمایه دار خطاب شوند) و دولت اش (آنکه نمی خواهد دولت سرمایه داری خطاب شود- خود را جمهوری یا اسلامی یا هر دو خطاب می کند).

### خب این وضع تا کی همین طور است؟

این بستگی به پیگیری و پافشاری در داشتن جمعیت خود و اتحادیه ی مستقل کارگران برای رسیدگی به مشکلاتشان دارد. تا زمانی که از کاخها و عمارت ها و ویلاهایشان صدای پای کوبنده نیروهای عظیم ستم دیده کار را بشنوند. و از رسانه هایشان معترف شوند که حال ما صدا و پیام شما را شنیدیم. گوشهای آنان سنگین است. شنیدن ما برایشان بصره نیست. شبیه ملاقات با یک نماینده . شبیه پیچاندن ما در دور باطل کاغذ بازی و دادن هی مدارک و نامه ها برای پیدا کردن کار.

نیروی کار امروز وضعیت لازم اش را خودش می خواهد بجوید و تجربه و مدیریت کند و ایراداتش را برطرف کند.<sup>۹</sup> در موضوع بالا بردن قیمت بنزین توسط دولت در آبان ۹۸ این تشخیص که مثلا بانکها از کانونهای استثمار و انباشت سرمایه اند به سطح توده رسیده است.<sup>۱۰</sup> و اینکه با اقدام مستقیم از طرف خود باید حقشان گرفته شود. هر چند که فعلا دارای مشکل رهاشدگی یا نوعی کوری می بود. هر کاری که به رشد این اقدامات ضروری اما فعلا کور، برای کسب بینش، در تشخیص چه باید کردش کمک نکند از آن عقب است (اگر خائن به آن نباشد).

فهم این چه باید کردها، شناخت ضعف ها و اینکه بعد از خالی کردن احساس نفرتش بر سر سرمایه انباشتی، حال چه می خواهد (؟) مثلا بانک باید چگونه باشد و چکار بکند (؟) ضروری ست.<sup>۱۱</sup> فهم این که آفازاده پهلوی نظرش راجب روابط مالی و بانکی چیست؟ نظرش راجب بحران مسکن و...

\*\*\*

۹ - کارگران هپکو پیش می روند - سایت میدان.

برای ۱۴ کارگر شرکت هپکو که در قالب اتهاماتی به دستگاه قضایی فراخوانده شده بودند، حکم تبرئه صادر شده است. ابوالفضل رنجبر، نایب رییس شورای اسلامی کار هپکو با اعلام این خبر به خبرنگاری ایسنا گفته که «یکی از مدیرعامل های اسبق هپکو هم حکم ۶ ماه حبس و ۳۰ ضربه شلاق گرفته و این جای تعجب برای ما کارگران دارد»

هپکو برای اولین بار در سال ۱۳۸۶ توسط سازمان خصوصی سازی واگذار شد. اما پس از سال ها کش و قوس بر سر این کارخانه که از پیشتانان کارخانجات ماشین سازی صنعتی در ایران بوده، مهرماه ۹۸ استاندار استان مرکزی از واگذاری سهام شرکت هپکو به شرکت های دولتی برای عبور از بحران خبر داد.

اکنون خبر تبرئه ۱۴ کارگر شرکت هپکو و محکومیت یکی از مدیران این شرکت را می توان نشانه ای از تاثیر تشکلیابی بر پیش بردن خواسته های کارگران و قدمی رو به جلو برای کارگرانی دانست که با پیگیری خستگی ناپذیرشان به دنبال پس گرفتن این کارخانه از کسانی اند که کارگران را تروریست می خوانند.

۱۰ - اشاره به سوزاندن بیش از ۹۰۰ بانک در شهرهای مختلف ایران در سال ۹۸ علیرغم شدیدترین سرکوبها.

۱۱ - این صرفا خالی کردن احساس نفرت نسبت به سرمایه انباشتی و نظام اش، به همراه خود این امکان را درست کرده بود که، همین روابط موجود سرمایه داری در ایران که جان را به ستوه آورده، در سطحی بزرگتر به یک میدان بازی آمریکایی تازه، بعد از افغانستان، عراق و سوریه، در کشورهای خاورمیانه تبدیل شود. بازی کثیف سودجویی به هر قیمتی. مثلا به قیمت جنگهای طولانی یا ورود و تجهیز انواع گروهکهای تروریستی! صرفا خالی کردن احساسها بدون بینش کارگری برای مشکلات به هیچ عنوان کافی نیست و اتفاقا در شرایط سودجویی ابرقدرتها و بدون داشتن بینشی مشخص راجب اینکه چه می خواهیم و چطور، کاری اشتباه و از پیش از دست رفته است.

## شماری از اعتراضات طبقه کارگر - فروردین ۹۹:

- اعتراضات کارگران مجتمع بندر انزلی نسبت به کار بدون تجهیزات ایمنی - بهداشتی.
- اعتراض پرستاران مشهد به فرصت طلبی دانشگاه علوم پزشکی از کرونا و بکارگیری شان با قراردادهای ۸۹ روزه
- اعتراض کارگران کارخانه کنتورسازی ایران نسبت به ادامه بلا تکلیفی شغلی و معیشتی.
- نامه سرگشاده کارگران نیروگاه حرارتی رامین در اعتراض به ادامه کار و نبود امکانات بهداشتی.
- اعتراض کارگران نفت و گاز اروندان نسبت به عدم رعایت استانداردهای بهداشتی
- اعتراض کارگران شهرداری یاسوج نسبت به کارکردن بدون حقوق و عیدی و عدم تجهیزات بهداشتی لازم
- نامه سرگشاده جمعی از بازنشستگان آموزش و پرورش در اعتراض به عدم همسانسازی حقوق و پرداخت نشدن مطالبات
- معلمان حق التدریس کشور خواهان پرداخت کامل حقوق و حق بیمه هستند
- تجمع اعتراضی کارگران حمل زباله شهرداری دزفول نسبت به سطح پایین حقوق و عدم پرداخت بموقع مطالبات
- طومار کارگران کشت و صنعت مغان و اهالی شهر برای لغو خصوصی سازی
- اعتراض کارکنان اقماری صنعت نفت نسبت به افزایش روزهای کاری
- اعتراض کارگران پسماند شهرداری اروند کنار نسبت به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق، عیدی و ۳ ماه حق بیمه
- ادامه تجمعات کارگران اخراجی شرکت پخش فراورده های نفتی ماهشهر برای بازگشت بکار برای دومین ماه متوالی
- اعتراض کارگران شهرداری مسجد سلیمان نسبت به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق، حق بیمه و عیدی
- تحریم سراسری آموزش مجازی توسط دانشجویان درسراسر کشور
- اعتصاب چند ساعته کارگران راه آهن رباط کریم در اعتراض به عدم پرداخت حقوق
- اعتصاب نانوایان بوشهر در اعتراض به افزایش پلمب نانوایان توسط مرکز بهداشت
- و چندین موارد دیگر...

\*\*\*

## نکته هایی درباره درخواست کارگران:

- وجود تشکلهای یا اتحادیه ها یا سندیکاهای مستقل کارگری برای رسیدن به مشکلاتشان.
- بدون کسب این ویژگی به هر قیمتی، نیروی کار مداوم از اتحاد سرمایه داران و دیگر همراهانشان در حال آسیب خواهند بود.
- کسب این ویژگی برای نیروی کار (یعنی داشتن تشکل و اتحادیه مستقل) باعث می شود بتواند به درخواستهای اش رسیدگی کند. از جمله مسئله دستمزد و دیگر موارد دیگر. این ابزار دستیابی است. بدون آن درخواستها فقط حرف و حسرت می مانند. برای ما طرحهای کارفرمایی و سودجویانه شان تبدیل به اتفاق و رویداد و حادثه میشود. آنها از ما ایثار می خواهند؟! نیروی کار همه کار را می کند اما برای خودش نه بلکه در خدمت ماشینهایی سودآور شده. برای آقایان. در خدمت سرمایه و سود آقایان.

○ راجب بحث اضافه کاری:

امکان انجام اضافه کاری به نفع کارفرما (یا سرمایه دار) است و بضرر کارگر. این نظریه نیست، که واقعیت زندگی ماست. امکان انجام اضافه کاری به همراه خود، نصف تعیین کردن دستمزد توسط حکومت را همراه دارد. خب این یعنی گرفتن همان حداقل دستمزد در ازاء بیش از ۸ ساعت کار در روز! (مثلا ۱۰ یا ۱۱ یا ۱۲ ساعت کار در روز). حال می توانیم بفهمیم که چرا با پیشرفت صنعت و تکنولوژی و اختراعات ریز و درشت (خانگی تا صنعتی - شخصی تا اجتماعی) به جای اینکه ماشین برای انسان کار بکند و کار انسان کمتر بشود، کار انسان بیشتر شده است.

○ راجب درخواست لغو ستم قانونی شده ی چندین برابری گرفتن راس هرم ها و مدیران ارشد و میانی و هیئت های مدیره و ... (در عمل این چندین برابر مشخصا ده ها برابر است. از قیمت خانه هایشان گرفته نسبت به اجاره دادن ما، تا موارد دیگر...)

عده ای در راس سلسله مراتبهای ایجاد کرده به اشکال قانونی (قانونی صدالبته در خدمت اربابان سرمایه) استعدادی برای ایجاد طبقات و اختلاف طبقات اجتماعی هستند. این اختلاف با بارها کمتر کار کردن و بارها کمتر ریسک کردن این جماعت دارای عمر دراز و باوقار و براق است. همچنان که در هوای مطبوع و عایق صوتی و حرارتی و... در اتاق و دفترهایشان از کاغذهای تکراری و بازی تکراری، ذهنشان را به فروش آپارتمانهایشان، ویلاهایشان متمرکز می کنند، به بورس و حسابهای بانکی، شاید دلش وسط کار برای سگش تنگ شود. یک دستی هم برای فرزند گرامی اش آنطرف آنها تکان می دهد. در توجیهات ایدئولوژیکشان در نشریات متعدد روزنامه ها شبکه ها مدعی اند که هم بیشتر کار می کنند و هم بیشتر ریسک!

خب البته اینان بیکار هم نیستند.. کار اینان بطور خلاصه پیچیده کردن و در جاهایی پیچاندن است. اینان عاملان (اوپراتورهای) تداوم و توسعه بروکراسی اند. انواع جلسات مرکزی - محرمانه - علنی - انواع پروازها - سفرها - گزارشها - نمایشگاه ها - سالنها - رده بندی ها - منشی ها - حراستها - بایگانی ها - صورتجلسات - انواع دفترها شعبات و انواع فرمایشات تلفنی حضوری انواع پاراف ها - ارجاعات... اینان بروکراسی را تمدید و بازآفرینی و معنادار می کنند.

اما چرا؟ مگر مریضند؟ نه رفیق - این کارها را میکنند تا خود، وضعیتشان، جایگاه شان و منافعشان را تمدید کنند. به همین سادگیست.

اگر مدیران در واکنش به این درخواست بخواهند بگویند که ما مهم هستیم و حالا که اینطور شد از این به بعد، بجای یک امضا باید دو امضا از ما داشته باشید تا کارها بچرخد. و علاوه بر کپی مدارک خودتان باید کپی مدارک پدرتان را هم بیاورید. خب در این طرف نیز باید «ملغی شدن ستم قانون شده هفت و چندین برابر گرفتن بیشترشان» بلندتر فریاد کشیده شود. همچون سرودی دسته جمعی تر.

در این دوره ورود ویروس کرونا به ایران و ایجاد وضعیت بحرانی ما اهمیت این اقلیت براق و در راس مراتب را دیدیم. آنهم در مقابل اهمیت کادرهای عظیم نیروی کار. مثلا پرستاران - کارگران خدماتی - کارگران کارخانه های صنعتی و تولیدی و... که کی برای زندگی اجتماعی مهم است و کی دارد ریسک می کند.

\*\*\*



## چهار توضیح:

نیروی عظیم کار کیست؟ یا طبقه عظیم کارگر کیست؟

به بیان ساده همانان که در وضعیت بحرانی وجودشان الزامی است. باید باشند. مثلا در بحران بهداشتی زیستی کرونا و دیگر بحران ها مانند آلودگی هوا. بودنشان الزامی است. تا زندگی کل جامعه تداوم داشته باشد. طبقه ای که ضمن از تحصیل در آکادمی های پر هزینه آموزشی محروم بودن اش و ضمن انواع مشکلهای خود را سرپا و قرص نگه داشته است. از طرفی مستمری بازنشستگان نیز خود را با حداقل دستمزد کارگری تنظیم می کند (طبق ماده ۱۱۱ قانون تامین اجتماعی). یعنی بحث دستمزد فقط شامل نیروی کار فعال نیست. بلکه شامل نیروهای بازنشسته کار نیز می باشد.

حداقل سبد معیشتی چیست؟

حداقلی برای زنده ماندن - حداقلی برای نمردن! زندگی در مرزی نامحسوس از زنده بودن و مردن!

نه او چنین که هست، زنده نبوده و نیست! همچون مرده ای متحرک.

زورگویی یعنی چه؟

ما هم با زورگویی غیرقانونی طرفیم و هم زورگویی قانونی.

مثلا در همین قضیه دستمزد نیروی کار، «تعیین دستمزد زیر حداقلی برای زندگی» یک زورگویی و ستم غیرقانونی است و از طرفی تعبیه اضافه کار و نیز هفت و چندین برابر دستمزد گرفتن در پایه حقوق مدیران، زورگویی و ستم قانونی شده ایست برای نیروی عظیم کار.

از دیگر زورگویی های قانون شده این جانوران، اختراع انواع قرارداد تحت عنوان رسمی - قراردادی - پیمانکاری است. و گنجاندن غالب نیروی کار درشرایطی که هیچ امنیت شغلی نداشته باشد. آن آخوند یا آن یاروی مسلمان برای رضای خدا این کار را نکرد. بلکه برای کسب حداکثر زور و سود این اختراع را اعمال کرد. وی اوپراتور سرمایه داری است با لباسی که دروغ اش را راست می نماید، دروغگویی اش را غیرممکن جلوه بدهد. دولت سرمایه داری یک اوپراتور برای سیستم سرمایه داران است. نظم سرمایه، برای وی و سیاستهای دولتها میل سازی می کند. میل به کسب و کشیدن حداکثر سود از همه چی. از دریا. از معدن. از هوا. از انسان کارکن. تا مرز بینهایت - تا مرز تخریب و بحران! وضعیت رهاشده (آزاد شده) مسکن و ملک. یک حماقت جنگلی قانونی شده است.

اینکه الان قانون به نفع کدام طبقه و نیروی اجتماعی هست (طبقه سرمایه دار یا طبقه کارگر) را توانمندی این طبقات در برخورد روزمره شان مشخص کرده و می کند و اینکه کدام نیروی اجتماعی اتحادیه اش متشکلتر است.

دولت بی عرضه است یا هیولاست؟

آیا دولت روی انجام کاری قانونی حساس نیست، یعنی دولت بی عرضه است؟ نه اینطور نیست.

مثلا روی انجام قانون بالابردن قیمت بنزین و استقامتش و تایید این عمل از این سو و آن سو در آبان ۹۸ و مواردی دگیر نشان میدهد که اتفاقا دولت خیلی هم مقتدر و حساس است. اما مثلا روی انجام قانونیه قانونی که مربوط است به دستمزد میلیونها نیروی کار چندان حساس نیستند و حتی خود قانون شکن است! پس باید دید حساسیت روی چه و برای که مطرح است؟ اینجاست که پیداست دولت یک میانجی بین طبقات سرمایه دار و کارگر نیست. بلکه اتفاقا ابزار و اوپراتوری است برای سرمایه و سرمایه دار. ما دولت نداریم ما دولت سرمایه داری داریم.

## ۲

پس از دستبرد، گروه های راهزنان

نوبت دادگاه می رسد.

چون بیگناهی به خاک افتاد، داوران بر نعش او گرد می آیند و محکومش می کنند.

برگور مردی که به ستم کشته شد هنوز می باید که حق او را نیز بکشد.

حکم دادگاه چون سایه خنجر قاتل فرود می آید. آه! مگر خنجر چندان که باید قوی نبود؟ و باز نیازی به ضربه خلاص قضاوت هست؟

بدانجاست که آدمکشان می گریزند؛

ستمگران آنجا در امن اند؛

همانجاست که دزدان غنیمت خودرا، درکاغذی که متن قانون برآن نوشته شده است، پیچیده پنهان می کنند. برتولت برشت- بخشی از نمایشنامه قانده و استثنا.

### ردیف کردن چند ادعای مبلغان و سخنگویان سرمایه دارن درباره‌ی وضعیتی که دیدیم و چشیده ایم:

❖ کارشناسان معتقدند این میزان افزایش معقول است!

«حداقل دستمزد ماهانه کارگران در ایران «رقم پایه روزانه × ۳۰ روز ماه» نیست، بلکه با اضافاتی مثل حق مسکن، بن خرید و اولاد و امثال آن، حدود ۳۰ درصد از مبلغ پایه بیشتر است. برای مثال برخلاف اعداد تیتراهای خبری رقم تعیین شده سال ۹۹ برای کارگر با همسر و یک فرزند، حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان نیست، بلکه حدود ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است.»<sup>۱۲</sup>

اول اینکه افزایش نمیدهند بلکه عقب ماندگی را جبران می کنند تا نیروی کار همچنان برایشان حاضر به کار کردن باشد و نمیرد و بتواند بچه ها بیاورند. اما بچه های در حد کارگر ساده و پدرانی مطلوب اند که بعد از ۳۰ سال کار بواسطه ی بیماری و فرسودگی بمیرند یا نیاز به دارو و دکتري داشته باشند. سود یعنی این.

دوم اینکه برای تست نظریه این کارشناسان سرمایه باید آنان را یک ماه با این رقم در تهران ول کرد تا صحت ادعایشان بررسی شود. تا بفهمند که دستمزد رقم نیست بلکه قابلیت برای زندگی یک خانواده با هزار مشکل است.

سوم اینکه این وضع شامل حدود یک سوم کارگران نمیشود. و تنها پایه حقوق می گیرند. و حتی در شهرها و مناطقی پایین تر از حداقل پایه.

«رئیس کمیته دستمزد کانون شوراهای اسلامی کار با بیان اینکه ۹۶ درصد قراردادهای کار موقت است گفت: به صورت حدودی ۳۵ درصد از ۹۶ درصد قراردادهای موقت، از مزایای شغلی بهره مند نیستند.

توفیقی بیان کرد: دولتمردان می گویند اگر کارگری این مزایا را دریافت نمی کند، به ادارات کار شکایت کند. اما به راستی کدام کارگر شکایت می کند؟ کارگری که قراردادش فاهی دارد شکایت کند؟ کارگری که طبق ماده ۷ قانون کار قراردادش لحاظ نمی شود و حتی یک نسخه از قراردادش در اداره کار نیست شکایت کند؟ کارگری که از ترس بیکاری و نداشتن امنیت شغلی کار می کند شکایت کند؟ کارگری که هیچ دفاعی ندارد، شکایت کند؟

رئیس کمیته دستمزد قانون شوراهای اسلامی کار با بیان اینکه ۳۰ سال از تصویب قانون کار می گذرد اما قانون کار برای کارگران در کارگاه های کوچک اجرا نمی شود گفت: بهتر است برای افزایش دستمزد پایه حقوق افزایش پیدا کند که اگر کارگری مزایای حقوق را دریافت نکرد بتواند از بس هزینه های زندگی بریباید .

توفیقی با اشاره به اینکه ۹۶ درصد قراردادهای کار موقت است گفت: می توانیم به صورت حدودی بگوییم حداقل ۳۵ درصد از قراردادهای موقت اینگونه هستند . یعنی حقوق و مزایای شغلی را دریافت نمی کنند.»<sup>۱۳</sup>

چهارم اینکه این وضع شامل اضافه کاری مجبوری نیروی کار نمی شود. در فرمولهای محاسباتی اداری کارخانه ها و ... اضافه کاری با پایه حقوق حساب می شود و نه با مجموع دریافتی.

تمام این اعداد که این عالیجنابان دیو سیرت خوش سیما می گویند فرسایش میلیونها انسان را به قیمت حفظ سطح زندگی مرفع در کاخهای ایشان در پی دارد. با حدود ۲ میلیون تومن حقوق در سال ۹۹ زندگی نیروی کار فرسایشی است.

❖ جبران عقب افتادگی دستمزد در پایان سال، باعث تورم می شود!

رجوع به سخنان فراوان این خوشحالان در سیاهروزی ما راجب این بهانه ....

آیا پاداشها و حقوقهای نجومی تان تورم زا نیست؟ آیا قیمتهای آزاده کرده ی زمین و مسکن و خودرو و میوه و... (به بهانه خود تنظیمی قیمتشان) تورم زا نبوده و نیستند؟ آیا افزایش قیمت بنزین تورم زا نیست؟ مطمئناً تورم در جاهای دیگر در بازار آزاد و ول شده در وضعیت نقدینگی ول شده در بانکها و ... ایجاد می شود. نیروی کار، حال در پایان یک سال کثیف و گرانی و تثبیت دستمزد اش توسط قانون و دولت و سرمایه داران، و عقب ماندن دستمزد از توان زندگی می خواهد عقب ماندگی دستمزدش جبران بشود. **تُر بازار آزاد**، راجب آزادی در حق تعیین قیمت نیروی کار توسط صاحب اش یعنی خود نیروی کار لال می شود، هیچ صحبتی نمیکند. چون برایش بصره نیست. چون وی قانده ها و قانون ها را تا آنجا می خواهد بفهمد که به نفع است و برایش سود دارد.

روزنامه دنیای اقتصاد دنیا را کر کرده که بگذار بازار خودش قیمت را تعیین کند و بعد از تعیین قیمت میلیونها نیروی کار آنهم نه توسط خودش که توسط نشستی که همه از خودی ها هستند صحبت می کند. از تشکل نداشته میلیونها نیروی کار برای تعیین قیمت خودشان صحبتی نمیکند. وی حتی از این ستم ها به قیمت فریب و وارونه سازی واقعیت دست به دفاع می زند.

این مبلغ و سخنگوی سرمایه تا جایی که برایشان بصره باشد می فهمند و حفظ منفعت به هر قیمتی را پیش می برند.

❖ مجبورمان نکنید بیشتر اخراجتان کنیم. خفه شوید زحمتکشان. (یا تهدید نیروی کار برای عقب نشینی اش از حق اش)

مداوم صحبت کرده اند و می کنند که اگر حقتان را بخواهید مجبوریم عده ایی را اخراج کنیم.

این حرف که در صورت جبران عقب افتادگی دستمزد نیروی کار در پایان سال مجبوریم نیروی کار بیشتری اخراج کنیم صرفاً تفرقه انداختن بین نیروهای کار است. یک توی دل کارگر را خالی کردن است. تنها در صورتی ممکن است نیروی بیشتر را بیکار کنید که ورشکسته شده باشید. و این یعنی باید فکر بزرگتری برای شما کرد. و شما مشکلتان جای دیگری است. مشکل دادن دستمزد به کارگر نیست. این که یک شرکت نمی تواند دستمزد کارگرش را بدهد یعنی باید ورشکسته باشد. آیا شما ورشکسته هستید؟ چرا ما این ورشکستگی را زندگی مرفه شما نمی بینیم؟ در محل زندگی شما در منزل و ویلای شما نمی بینیم. گواه ورشکستگی شما اول

زندگی شماست و بعد اسناد و ترازهای مالی شما و نه ادعای شما. ایران مال کی افتتاح می شه حضرت آقا؟ چرا همزمان که از نداشتن پول برای میلیونها کارگر حرف می زنید روی میز جلسه تان میوه گذاشته اید؟ چرا از حقوقهای کلان خودتان و پادشاهیتان حرفی نیست؟ آری این یک بازخواست عامیانه و البته کارگشاست. چرا توی بحران هم برای سازمانهای تبلیغ اسلامی هم بودجه هست هم رشد می کند؟ پدرسوخته حیوان بنابه چه مستندی می گویی پول بیشتر از این نداری؟ آنکه باید راجب پول نداشتن تو قضاوت کند خب خودت که نباید باشی مردک؟ تازه اگر ورشکسته اید چرا دست نمیکشید از این شیوه و سیستم اقتصادی سرمایه محور. از این رقابت جنگلی تان.

اگر شما می توانستید کسی را در مجموعه های کار بیکار کنید تا الان کردید و ترتیب اش را داده اید. حال چه قانونی دستمزد بدهید چه نصف اش را. شما حداکثر اخراجی را داشته اید. آیا تعدیلهایتان را در سال های گذشته به حداکثر رسانده اید؟ آنهم با حداکثر بهره کشی از کارگران با روزی بیش از ۱۰ ساعت کار؟ با تصویب حداقل دستمزد زیر حداقل میزانی برای زنده ماندن، سرمایه داران و دولت شان برای سود بیشتر و تولید بیشتر در آن واحد، با یک تیر دو نشان را می زند؛ نه حداقل لازمه را می دهد و نه کارگر بیشتری می گیرد و از نیروی کار آماده بکار استفاده نمی کند چون نیروی کار را مجبور می کند که بیش از ۸ ساعت کار در روز کار کند و که نخواهد نیروی بیشتری بگیرد.

❖ راجب اینکه بیش از ۵۰٪ هزینه های بنگاه های خدماتی، سهم هزینه کارگران است!

«...وی در ادامه اظهار داشت: اما پس از این مباحث، می بینیم دوستانی در برخی محافل سخنرانی می کنند که سهم دستمزد کارگر در هزینه واحدها، ۵ تا ۱۰ درصد است در حالی که این عدد غلط است و با این اعداد کاذب می خواهند نگاه مردم را تغییر دهند. در برخی صنایع بسیار بزرگ همچون نفت، گاز و پتروشیمی این عدد تا ۱۰ درصد است اما در صنایع خرد و کوچک بین ۳۵ تا ۵۰ درصد است و در بخش خدمات، عمده هزینه کارفرمایان دستمزد است»<sup>۱۴</sup>

۱- عمده هزینه یعنی دقیقاً چقدر؟ منظور تان از عمده بیش از ۵۰٪ است؟ مثلاً ۶۰٪؟ چرا اینقدر اطلاعات شما گنگ و گیج کننده باید باشد؟

این دروغ در مورد چند بنگاه های خدماتی زیر به گواه اطلاعات همه دان کاملاً مشهود است:

- خدمات بانکداری.
- خدمات اینترنتی و ارتباطی و ... مترو. ایرنسل. اسنپ و ...
- بیمه

کسی به درآمد اینان فک کرده است؟ اینان از کانونهای انباشت سرمایه هستند. باید گفت اینان در برابر سودهایی که می برند حتی هزینه ای نمی کنند!

«عوامل مختلفی از جمله «دستمزد»، قیمت تمام شده کالا و خدمات را تعیین می کند؛ نمایندگان کارگران این سهم راه ۷ درصد و نمایندگان کارفرمایان این سهم را ۳۰ تا ۵۰ درصد عنوان می کنند؛ این در حالی است که کارشناس حوزه کار معتقد اند سهم دستمزد در بهای تمام شده کالا و خدمات بین ۹ تا ۱۳ درصد است...»<sup>۱۵</sup>

۲- جناب نکند شما در این حساب و کتاب در هوایتان، حقوقهای چندین برابری هیاتهای مدیره و مدیران ارشد را با دستمزد کارگران جمع بسته اید!!!!؟

❖ دولت گفته که می خواهد تورم را ۱۸ درصد کند و نباید تورم انتظاری بالا برود!

«عضو کارفرمایی شورای عالی کار افزود: همچنین با توجه به شرایط فعلی اقتصادی که حاکم بر تمام دنیا شده است، وزیر امور اقتصادی و دارایی مباحث زیادی را در مورد وضعیت اقتصادی کشور مطرح کرده و عنوان کردند که سیاست گذاری و ریل گذاری برای امسال، رسیدن تورم به ۱۸ درصد است، پس اگر تورم انتظاری در جامعه بالا برود، موجب می شود این ریل گذاری به نتیجه مطلوب نرسد. این مساله یکی از مباحث کلانی است که در نشست ابعاد

۱۴ - عضو شورای عالی کار در گفتگو با مهر: ۲۵ فروردین ۹۹

۱۵ - ایرنا - نقش دستمزد در بهای تمام شده کالا و خدمات چقدر است؟

مختلفش مطرح شد و با توجه به تمامی جوانب کار، تصمیم گیری نهایی صورت گرفت. وی گفت: سیاست دولت، کاهش تورم است که سیاست مهمی است؛ در حال حاضر مشکلات زیادی در بخش تولید داریم و فکر می‌کنیم که چگونه می‌خواهند با این شرایط رشد ۳۴ درصدی در مزد بدهند<sup>۱۶</sup>»

باید به این جناب گاو خود را به خواب زده، گفت، از طرف شما و سامانه هرزه و هار اقتصادی تان تورم هم واقعی و هم انتظاری بالا رفته و می‌رود و برایتان این کاملاً طبیعی است، همان بازار را آزاد گذاشتن است. همان شاخ شما در گرده می‌ماند. در تعیین دستمزد، قرار است عقب افتادگی دستمزد میلیون‌ها کارگر پس از ماه‌ها تحمل این وضع، ماه‌ها سرکوب برای تعیین قیمت نیروی کار توسط خودش، ترمیم شود. آنهم نه برای رفاه که برای زنده ماندن و به تبع چرخیدن چرخهای تولید.